

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنةُ الله علي أعدائهم اجمعين من الآن الي  
قيام يوم الدين

### تفاوت خطابات قانونیه و قضایای حقیقیه

بحث تعریف قضایای حقیقیه و فرق بین قضایای حقیقیه و خارجیّه تا يك حدّي روشن شد، البته فرقه‌های متعددی بین قضایای حقیقیه و خارجیّه هست که شاید مثلاً شش فرق یا هفت فرق در محل خودش ذکر شود، که حالا نیازی به آنها نیست و ما فرقه‌های عمده را بین قضایای حقیقیه و خارجیّه بیان کردیم. حالا بحث در این است که بین این نظریه‌ی شریف امام که به عنوان خطابات قانونی است و بین قضایای حقیقیه که افرادی مثل مرحوم نائینی در اصول قائلند تمام قضایای شرعیّه به نحو قضایای حقیقیه است، چه فرقی وجود دارد؟ به عبارت دیگر بین این دو عبارت، این دو گزاره، چه فرقی وجود دارد؟ (1) بگوئیم تمام قضایای شرعیّه به نحو قضایای حقیقیه است. (2) بگوئیم تمام قضایای شرعیّه به نحو خطابات قانونیه است.

آیا این خطابات قانونیه همان حقیقت قضایای حقیقیه‌ای که مرحوم نائینی می‌گوید نیست؟ مخصوصاً در این عبارت اجود التقریرات در جلد 1 صفحه 189، از این چایی که ما داریم، در بعضی چاپ‌های دیگری صفحاتش فرق دارد. آنجا این عبارت است: «بل هي» یعنی این قضایای شرعیّه «من قبيل القضاي الحقیقیة علي طبق الأحكام المجعولة في سایر القوانين» مثل احکامی است که در سایر قوانین است «الصادرة من أولياء الامور» که از اولیاء امور صادر می‌شود «فإنّ لا یصدر منهم في قوانینهم انشاءات غیر محصورة بالاضافة إلي اشخاص غیر محصوره» عقلاً در جعل قانون نمی‌آیند هر فردی را يك انشاء مستقل برایش ذکر کنند، انشاءات غیر محصوره نسبت به افراد غیر محصوره ندارد. اینجا تقریباً مرحوم نائینی علّت اینکه می‌فرماید قضایای شرعیّه عنوان قضایای حقیقیه را دارد، همان علّتی است که امام (رضوان الله تعالی علیه) در خطابات قانونیه بیان می‌کنند! ایشان هم در خطابات قانونیه فرمودند ما اگر بخواهیم ببینیم خطاب شرع و خطابات شرعیّه چگونه است؟ شارع هم مثل این خطابات که در قوانین عرفیه وجود دارد يك خطابي را ذکر می‌کند، آیا این دو تا - یعنی خطاب قانونی و این قضایای حقیقیّه - روحش به يك فرد برنمی‌گردد؟ به يك معنا برنمی‌گردد؟ این سؤالی که در اینجا مطرح است.

به نظر ما بین قضایای حقیقیه و قضایای خارجیّه فرق وجود دارد، بین قضایای حقیقیه و خطابات قانونیه فرق وجود دارد؛ خوب دقت کنید این فرقی که ما می‌خواهیم عرض کنیم ببینید آیا با عبارتی که قبل از امام (رضوان الله علیه) گفتیم سازگاری دارد یا نه؟ اولاً درست است در این معنا مشترکند، هم نائینی و هم امام (رضوان الله علیه) معتقدند که خطابات شرعیّه موضوعش عناوین کلیّه است. نائینی این را قائل است، می‌گوید قضیه‌ی حقیقیّه در جایی است که حکم روی يك عنوان کلیّه آمده، خواه موضوعش در عالم خارج این عنوان موجود باشد یا نباشد! در خطابات قانونیه هم حکم به يك عنوان کلیّ تعلق پیدا کرده، اما فرقی در این است که نائینی می‌گوید در قضایای حقیقیّه موضوع عنوان کلی است اما عنوان معبری است برای رسیدن به افراد، عنوان مشیر إلي الأفراد است.

درست است که افراد خودشان مستقیماً متعلق برای حکم قرار نمی‌گیرند در قضایای حقیقیه. اما این عنوان مشیر به افراد است، افراد هم ثانیاً و بالعرض باید ملحوظ متکلم باشد، اما همین مطلب در کلام امام نیست! امام می‌فرماید خطابات قانونیه که ما می‌گوئیم خطابات شرعیّه عنوان خطاب قانونی را دارد، در خطاب قانونی عنوان کلی موضوع برای حکم است، اما این عنوان معبر برای رسیدن به افراد نیست، این عنوان آینه و مرآت برای افراد نیست! و ثمره‌اش هم در اینجا جاری و ظاهر می‌شود. اگر گفتیم در قضایای حقیقیه عنوان مرآت برای افراد است، باید این افراد، ولو ثانیاً و بالعرض ملحوظ واقع شدند، ولی باید شرایط خطاب را داشته باشند، باید عاجز نباشد، جاهل نباشد، قابلیت بعث داشته باشند. اما روی مبنای امام این شرایط در افراد لازم نیست.

به عبارت دیگر روی مبنای خطاب قانونی این عنوان کلی حجت بر افراد است، چون انطباق بر افراد پیدا می‌کند، اما افراد ملحوظ برای متکلم و امر نیست! اساساً تمام هم امام (رضوان الله تعالی علیه) در اینکه آمدند خطاب قانونی درست کردند همین است که پای افراد را به طور کلی از متعلق حکم و از موضوع خارج کنند، نه اولاً و بالذات افراد متعلق حکم‌اند و نه ثانیاً و بالعرض متعلق برای حکم‌اند. آنکه متعلق برای حکم است این عنوان مشیر است، این عنوان کلی است، مشیر هم نیست! روی قضایای حقیقیه عنوان کلی متعلق است اما مشیر إلی الأفراد است، ولی روی خطابات قانونیه عنوان کلی متعلق است اما مشیر إلی الأفراد نیست.

پس فرق بین خطابات قانونیه و قضایای حقیقیه هم روشن شد.

روی بیان امام (رضوان الله علیه) ولو امام در باب صبی این را نفرموده، ولو در باب مجنون نفرموده، ولی این خطاب شامل صبی هم می‌شود. **أَقِيمُوا الصَّلَاةَ**: مشهور از اول می‌گویند این خطاب مربوط به بالغین است، از اول شامل قادرین است، از اول عاقلین است و لذا می‌گویند به عنوان شرایط عامه‌ی هر تکلیفی است، اما ایشان می‌فرماید نه! این خطاب به نحو قانون جعل شده، اینکه بیائیم بگوئیم از اول این خطاب مربوط به عاقلین است، مربوط به بالغین است، مربوط به قادرین است، این حرف نیست! اصلاً عاقل و بالغ و دیوانه و قادر و عاجز، اینها را متکلم و امر در حین جعل قانون در نظر نمی‌گیرد، این قانون را دارد جعل می‌کند، الصلاة واجبه، حالا ادله‌ی دیگر، پس این خطاب شامل همه می‌شود و مربوط به همه است، اینها را قبلاً توضیح دادیم، باز مراجعه کنید.

مشهور می‌گویند الصلاة واجبه برای بچه انشائی است و وقتی بالغ می‌شود فعلی می‌شود، برای دیوانه انشائی است و وقتی عاقل می‌شود فعلی می‌شود، برای عاجز انشائی است و وقتی قادر می‌شود فعلی می‌شود. مرحوم امام می‌فرماید به نظر ما این امر غیر معقولی است، شارع بالفعل این خطابات را برای همه قرار داده، منتهی بعداً دلیل آمد که اگر صبی انجام نداد «رفع» برداشته شد. اگر عاجز انجام نداد عقل می‌گوید معذور است، اگر شرع هم نگوید عقل می‌گوید معذور است و شاهد فرمایش امام این است، مثلاً در بحث بلوغ اگر شارع از اول فرموده بود **لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ النَّبِيِّ**، آیا شما می‌گفتید این فقط مخصوص بالغین است؟ نه.

حالا ما هنوز اشکالاتی که مطرح شده بر فرمایش امام یا ممکن است مطرح بشود را ذکر نکردیم ولی هنوز توضیح می‌دهیم، عرض کردیم يك نظریه‌ای است که امام ابداع کرده و از ابتکارات مهم امام در علم اصول است، آن روز خواندیم عبارت مرحوم حاج آقا مصطفی را که ایشان می‌فرماید این يك ابتکاری است که از اول فقه تا آخر فقه اثر دارد، حرف درستی است. باید مطلب ایشان خوب فهمیده شود، و آن این است که این خطابات به نحو فعلیت است منتهی از حیث قانونی بودن فعلی است، خطاب فعلی قانونی، افراد اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود، لا بالواسطة و لا بلا واسطه، لا مع الواسطه، لا اولاً و لا ثانیاً، اصلاً پای افراد در میان نیست.

مشهور در قضایای حقیقیه تصرف می‌کنند و می‌گویند باید بگوئیم این خطاب شامل عاجز نشده، چون تکلیف به عاجز قبیح است. امام می‌گوید نه! ما قائل به خطاب قانونی می‌شویم و دیگر در خطابات شرعیّه تصرف هم لازم نیست. این بیان دیگری برای فرق می‌شود و آن اینکه ببینید ما يك خطاب شرعی داریم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» این أَوْفُوا بِالْعُقُودِ عام است، اگر بدهیم دست مرحوم نائینی و به قول امروزی‌ها مدرسه‌ی مرحوم نائینی، یعنی آنهایی که از ایشان تبعیت کردند، اینها می‌گویند این خطاب چون مشیر إلی الافراد است و از آن طرف امر به لزوم وفای به عهد برای آدم عاجز قبیح است، بیائیم تصرف کنیم بگوئیم این أَوْفُوا بِالْعُقُودِ فقط شامل قادر می‌شود، اما امام می‌فرماید نه، این خطاب شرعی را به دست ما بدهید، ما به نحو خطاب قانونی برای شما تفسیر می‌کنیم، بدون اینکه نیاز به این تصرف باشد، روی مبنای نائینی باید در این خطاب شرعی تصرف کرد، بگوئیم این خطاب شامل عاجز نمی‌شود. روی مبنای امام لازم نیست در این خطاب شرعی شما تصرف کنید، خطاب شرعی سر جای خودش است، به نحو خطاب قانونی است و هیچ تصرفی هم لازم نیست.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين